

بیانیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست درباره تحولات افغانستان



سرانجام گروه طالبان در افغانستان قدرت را تحویل گرفت. اینکه تصرف پی در پی شهرها و مناطق مختلف افغانستان و سپس پایتخت آن کابل، طی یکی دو هفته از قدرت و محبوبیت طالبان و یا نفرت مردم از نیروهای خارجی و آمریکا و ناتو و دستگاه دولتی مافیائی دست نشانده شان که در فساد و رانت خواری و قتل و غارت شهره عالمند ناشی میشود و یا توطئه آمریکا و ناتو برای تحویل سلاح و تسلیم بدون مقاومت ارتش افغان به گروه طالبان، حرف و حدیث بسیار است و اما نقش امپریالیسم آمریکا و کشورهای غربی در ساختن و پرداختن طالبان و انواع و اقسام گروه های مرتجع جهادی و تقویت مالی و تسلیحاتی آنها برای استفاده در نقشه های راهبردی در منطقه غیرقابل انکار است. امپریالیسم آمریکا ابتدا در مقابله با دولت سکولار و مورد حمایت اتحاد شوروی و سپس حضور دراز مدت بمنظور مقابله با رقبای بین المللی و منطقه ای خود وارد افغانستان شد. اکنون در مخالفت با برنامه ها و طرح های اقتصادی چین و قدرت نظامی روسیه از یکسو و گره خوردن آن با منافع پاکستان متحد آمریکا در مقابله با هند از سوی دیگر زمینه بقدرت رسیدن دوباره طالبان را فراهم کرده است.

این واقعیتی انکارناپذیر است که امپریالیسم آمریکا و متحدان غربی و منطقه ای آن باتغییر سیاست راهبردی در جهان و مقابله با طرح های اقتصادی چین و قدرت نظامی روسیه از مدت ها قبل نقشه راه بقدرت رساندن طالبان بمنظور نا امن نگهداشتن منطقه را در دستور قرارداد ه بودند و امروز اگر میبینیم "ارتش" دست آموز و مسلح به سلاح های امریکائی افغانستان با بیش از 300 هزار پرسنل یکی پس از دیگری تسلیم گروه چند ده هزار نفری طالبان میشوند و روسای فاسد دولتی و مافیای مورد حمایت آمریکا یکی پس از دیگری با دلارهای بادآورده و دسترنج مردم رنجکشیده، افغانستان را رها کرده و پا بفرار میگذارند، نتیجه تغییر استراتژیک در سیاست های جهانی و منطقه ای آمریکا و محصول زد و بند قدرت هائی است که منافع خود را در بازگرداندن طالبان به قدرت میدانند.

تردیدی نباید داشت که علاوه بردستگاه دولتی و ارتش افغانستان که سالها توسط سازمانهای جاسوسی، امنیتی آمریکا و ناتو تعلیم دیده اند و اکنون تحویل طالبان داده شده اند افسار گروه مرتجع طالبان نیز بارشته های مختلف مرعی و نامرعی در دستان آمریکا و متحد همیشگی آن پاکستان است که کنترل کاملی بر رهبری طالبان دارد و گروهی که مدام بوسیله کشورهای مرتجع منطقه نظیر

عربستان سعودی امارات متحده و سایر شیوخ حاشیه خلیج فارس حمایت مالی و تدارکاتی و ایدئولوژیک شده اند کشورهاییکه تماما در ید اختیار آمریکا و ناتو میباشند و به استراتژی آنها در منطقه خدمت میکنند، کشورهای که امیدوارند با تحویل قدرت به طالبان زمینه جنگ شیعه و سنی در مرزهای ایران را نیز دامن زده و موقعیت خود را در منطقه و در برابر جمهوری اسلامی تقویت کنند. متقابلا جمهوری اسلامی نیز در کوتاه مدت با ترساندن مردم بپا خاسته ایران، این بار با لولوی طالبان، جنبشهای اجتماعی بویژه جنبش کارگری را که در سالهای اخیر امید تغییرات بنیادی را در ایران و به تبع آن در منطقه روشن کرده است سرکوب و به حاشیه براند. بدین ترتیب تمام مرتجعین و نیروهای ضد بشری جهانی و منطقه ای در پی بهره جویی بمنظور پیشبرد سیاست های داخلی و منطقه ای خویشند و در این میان مردم رنج دیده افغانستان همچنان در گرداب ستم و استثمار و تبعیض و سرکوب و قتل و کشتار گرفتار و سرنوشتی نامعلوم در پیش روی دارند.

زمینه های عینی و اجتماعی وضعیتی که در افغانستان شاهد آنیم

این واقعیت را باید در نظر گرفت که در کنار دخالتگری نیروهای خارجی، زمینه های عینی اجتماعی نقش اساسی در تحولات کشورها و جوامع مختلف انسانی بازی میکنند. قدرت های خارجی نیز درست با توجه به همین عوامل و زمینه های عینی اجتماعی و روبنائی و فرهنگی است که استراتژی های خود را تدوین و تاکتیکهای متناسب با آنرا بر میگزینند.

علاوه بر نقش سطح تکامل نیروهای تولیدی و مناسبات مترتب بر آن - که این بیانیه گنجایش پرداختن به آنها نیست- اما یکی از عوامل مهم دست اندرکار و موثر در تحولات افغانستان و اغلب کشورهای خاورمیانه که درگیر جنگهای مختلف داخلی و خارجی در طول سالیان متمادی هستند و برغم کوشش نیروهای آزادیخواه و سوسیالیست و چپ، حتی روزه ای برای آزادی و برابری و دموکراسی در حد بورژوائی آن نیز گشوده نشده است، همانا شیوه گذار این جوامع به مرحله سرمایه داری و ساختارهای متناقض اقتصادی، اجتماعی، ملی، مذهبی چند وجهی آنها است که به نوبه خود محصول دوران استعماری و نئو استعماری و دخالتگری قدرتهای جهانی در روند این گزار میباشند.

از نزدیک به یک قرن پیش و از هنگامی که سرمایه داری وارد مرحله امپریالیستی خود شد روند طبیعی رشد سرمایه داری در این کشورها بلحاظ رشد عقب مانده و از جمله در افغانستان که موضوع مورد بحث ما است، متوقف شد و ساختارهای کهن در کنار تحولات نوین به حیات خود

ادامه دادند. ترکیبی از جناح های مختلف بورژوازی نوپا و سران ایلات و عشایر، بزرگ مالکان و رهبران مذاهب مختلف درسازش باهم ساختاردولتهای استبدادی فاسد و دزد و مافیائی را برپاکردند. دراین کشورها برغم تلاشهای گاه گذاری بورژوازی نوپا و طبقه متوسط و تحصیل کردگان، اماهرگز یک دولت ملی بمفهوم واقعی آن نتوانست شکل بگیرد. به عبارت دیگر دراین کشورها روند رشد سرمایه داری هیچگاه به "دولت ملت" ارتقاء نیافت بلکه همبود هائی شکل گرفتند که بدون استبداد و دیکتاتوری مورد حمایت یک یا چند قدرت برتر خارجی نمیتوانستند به حیات خود ادامه دهند. هرگاه که بنا برگسترش نارضایتی عمومی و جنبشهای توده ای و یا در نتیجه تحولات بین المللی و منطقه ای این همبود ها ترک برداشته است از دل آن اختلافات ملی و مذهبی، قومی و قبیله ای سرکشیده و در نتیجه این همبودها به اجزای تشکیل دهنده خود تقسیم شده اند و در پی آن هرج و مرج و جنگ های فرقه ای طولانی مدت جامعه را ازپویائی و تحول بازداشته است و از طرفی حمایت دول خارجی از این دسته جات در راستای منافع اقتصادی و سیاسی و ژئوپلتیک خود جامعه را در منجلاب مذهب و خرافات و فقر و اعتیاد و جنگ و کشتار گرفتار کرده است. دراین میان معمولا آن گروه هائی که با توسل به مذهب و یا قوم و عشیره ای قویتر انسجام لازم را بدست آورده و در موازنه قدرت دست بالا را پیدا میکنند و با حمایت قدرتهای خارجی ذینفع از تاریک خانه تاریخ سربر آورده و مدعی منافع "ملی" و قدرت سیاسی میشوند. دراین جوامع وجود این ساختارهای چند وجهی و گروه ها و دسته جات قومی قبیله ای و مذهبی همواره به قدرتهای امپریالیستی این امکان را میدهد تا با مبارزات دمکراتیک و سوسیالیستی طبقه کارگر و توده های زحمتکش و نیروهای انقلابی به مقابله برخیزند و به خونین ترین وجهی تحولات دمکراتیک را متوقف کنند. تاریخ کشورهای منطقه از جمله افغانستان مبین همین واقعیت است که بنظر ما بدون توجه به آن و درس آموزی از آن و ارائه برنامه و راه حل مبارزاتی درست، نیروهای چپ و دموکراتیک افغانستان قادر به تحولات بنیادین در این کشور نخواهند بود.

وضعیت امروز افغانستان که ترس و وحشت بر مردمان رنج دیده آن سایه گسترده است. محصول برنامه راهبردی قدرتهای امپریالیستی و عربستان سعودی و پاکستان است که از چهار دهه قبل برای مقابله با تحولات دموکراتیک در افغانستان گروه های جهادی و قومی و قبیله ای را سازمان داده و با تامین مالی و تسلیحاتی آنها را بجان مردم انداختند و سرانجام با کمک تسلیحاتی و مالی و انسانی سنگین آمریکا و متحدین آن از جمله کشورهای مرتجع منطقه در سال 1371 وارد کابل شدند و با دست زدن به جنایاتی فجیع از جمله کشتن نجیب الله و برادرش که در دفتر سازمان ملل پناه گرفته بودند و ترتیب دادن اعدام های خیابانی، سنگسار زنان، بستن مدارس و قتل و غارت و از بین بردن آثار تاریخی و هر آنچه که نشانی از پیشرفت و تمدن داشت، تمام دست آوردهای چندین ساله

مردم افغانستان را نابود کردند. از آن پس افغانستان برزمینه ساختارهای متناقض اقتصادی، فرهنگی و مذهبی و قومی و قبیله ای وارد جنگ داخلی خانمانسوز بین گرو های مرتجع زینفع شد که هرکدام بر بخشی از این کشور تسلط پیدا کرده بودند. سرنوشتی که بعد ها در کشورهای دیگر خاورمیانه نظیر عراق و سوریه و کشورهای افریقای نظیر لیبی و غیره نیز تکرار شد. در حالیکه نیروهای مختلف مرتجع و اسلامی افغانستان تحت حمایت امپریالیسم آمریکا و متحدین آن با نقض ابتدائی ترین معیارهای حقوق بشر تمامی دست آوردهای دموکراتیک افغانستان را نابود کردند و از طریق چنگ انداختن به ثروت های عمومی گسترش کشت خشکاش و مشتقات آن به منابع سرشار دست یافتند اما گسترش نارضایتی از یکسو و اختلاف بر سر تصاحب ثروت از سوی دیگر آنها را از شکل دادن به یک شبه دولت با ثبات نسبی نیز بازداشت و در نتیجه طالبان که در مدارس دینی پاکستان تعلیم دیده بودند بعنوان نیروی جهنمی بنیاد گرا زیر قانون شریعت اسلام متحد شده و در 1375 با استفاده از هرج و مرج حاکم قدرت را بدست گرفت و برقراری امارت اسلامی را اعلام کرد.

طی نزدیک به 5 سال حکومت قرون وسطائی طالبان مابقی دست آوردهای جمهوری دموکراتیک افغانستان در زمینه بهداشت، مسکن، آموزش، برابری حقوق زنان بکل ریشه کن گردید و افغانستان به مرکزی برای آموزش و تجهیز گروه های اسلامگرای مرتجع نظیر القاعده، داعش و غیره تبدیل شد که هرکدام تحت حمایت مالی و تسلیحاتی قدرت های رقیب در جنگهای نیابتی در منطقه بکار گرفته شدند جنبشهای اجتماعی پیشرو و مترقی را سرکوب و به محاق بردند.

زمانیکه امپریالیسم آمریکا از تامین وحدت گروه ها و دسته جات بنیادگرای اسلامی که خود بوجود آورده بود عاجز شد و نتوانست برزمینه جامعه چند وجهی افغانستان دولت دست نشانده و متمرکزی را سازمان دهد و گروه هائی نظیر القاعده ساز مخالف زدند، واقعه 11 سپتامبر و حمله به برجهای دوقلو بهانه ای بدست داد تا امپریالیسم آمریکا باتفاق کشورهای غربی و پیمان ناتو به اشغال افغانستان دست بزنند. این بار زیر چتر حضور ارتش آمریکا و ناتو با به سازش کشاندن گروه ها و دستجات مختلف مذهبی و قومی و قبیله ای دولت دست نشانده ای را سرهم بندی کردند و تحت عنوان "جمهوری اسلامی افغانستان" کاریکاتوری از دولت بر مردم جنگ زده و در فقر و نداری افغانستان و دنیا معرفی کردند که برای سرپا نگهداشتن چنین دولت فاسد و دست نشانده ای که جز فساد، دزدی، قاچاق تریاک و هروئین و انباشت ثروت به قیمت فقر و بدبختی توده های مردم کار دیگری از آن ساخته نبود در طول بیست سال بیش از دوهزار میلیارد دلار خرج کردند اگر این رقم راست باشد در واقع دسترنج زحمتکشان آمریکا و چپاول ثروت های کشورهای فقیر نصیب شرکتهای نظامی و امنیتی امپریالیستی و سران گروه ها و دسته جات قومی و قبیله ای و مذهبی

شده است که در دولت پوشالی افغانستان لانه کرده بودند. در این میان آنچه که نصیب مردم شده ده هাজার کشته و صد ها هزار مجروح و میلیونها آواره، معتاد و بیکار و گرسنه بوده است .

ودر نهایت با تغییر سیاست راهبردی آمریکا و در پی مذاکره و توافق و سازش با گروه طالبان "دولت ملی" و دست نشانده "جمهوری اسلامی افغانستان" به سرکردگی اشرف غنی به سرعت باد از هم پاشید و اکنون گروه طالبان که در این مدت کارش بمب گذاری درامکان عمومی، مدارس، بیمارستانها و کشتن بزرگ و کوچک و سنگ سار زنان و به بردگی گرفتن کودکان بود به یاری "عمو سام" قدرت را بدست گرفته است و تمام تجهیزات نظامی امنیتی و ارتش و دستگاه دولتی دست نخورده را تصاحب نموده است. قدرت گیری مجدد طالبان که بر پایه توافق دولت ترامپ و ادامه این سیاست توسط بایدن ممکن شده است فجایع بیشتری را بر توده های مردم رنج دیده افغان تحمیل خواهد کرد و بدون تردید برغم حمایت امپریالیستها در موقعیت اقتصادی اجتماعی و جغرافیائی افغانستان "امارات اسلامی" طالبان نیز قادر به ادامه حاکمیت اش نخواهد بود جنگ بر سر قدرت و ثروت ، سازشهای موقتی و ساخت و پاخت بین گروه های مختلف مذهبی، اثنیکی و قومی و قبيله ای را از هم خواهد پاشاند رقابت های قبيله ای تشدید خواهد شد و بدون تردید توده های مردم بویژه جوانان نیز به مبارزه روی خواهند آورد و در آینده شاهد شکلگیری اعتراضات عمومی توده های مردم خواهیم بود و به تبع آن زمینه رشد و گسترش سازمانهای انقلابی آزادیخواه و سوسیالیست نیز فراهم خواهد شد.

چشم انداز آینده

روشن است که نه امپریالیسم آمریکا و نه هیچ قدرت خارجی دیگری نگران حال و آینده توده های مردم افغانستان نیست . همانطور که "جوابیدن" رئیس جمهور آمریکا اخیرا اعلام کرد، آنها بخاطر منافع خودشان افغانستان را اشغال کردند و بیست سال در آنجا ماندگار شدند و اکنون نیز منافع شان ایجاب میکند تا آنجا را ترک کرده و تحویل طالبان بدهند. دست پروردگان و دست نشانندگان امپریالیستها نیز هرگز نه میخواهند و نه میتوانند به رشد و تکامل جامعه افغانستان و تحولات اقتصادی و سیاسی بنیادی به نفع زحمتکشان بیاندیشند آنها دشمنان آزادی، برابری و حق تعیین سرنوشت مردم بدست خودشان هستند . راه نجات توده های زحمتکش مردم افغانستان در دستان نیروهای جوان چپ و سوسیالیست و در دستان کارگران، زنان جوانان و زحمتکشان این کشور است و باتوجه به ساختار اقتصادی و اجتماعی این کشور و سطح آگاهی توده های مردم و درجه تکامل نیروهای مولده که متاسفانه در سطحی پائین نگهداشته شده اند، نیروهای انقلابی و دموکراتیک افغانستان میباید با درس گیری از تمام تجارب یک صدسال اخیر و با اتکا به تحولات مهم در سطح

جهان و منطقه و نظر به نقش وسائل ارتباط جمعی در ارتقاء سطح آگاهی و مطالبات کارگران و زحمتکشان بویژه نسل جوان، خود را برای مبارزه ای طولانی تحت برنامه ای که منافع زحمتکشان، زنان، کارگران، جوانان و ملیت های گوناگون ساکن این سرزمین را نمایندگی کند، آماده کنند.

سرنوشت افغانستان و نیز عراق و لیبی و... باید درس عبرتی باشد برای همه آنهایی که در کشورهای منطقه از جمله ایران و افغانستان دل در گرو دخالت قدرتهای خارجی دارند. دست پروردگان قدرتهای خارجی هرگز حال روزی بهتر از حکومت اشرف غنی، طالبان افغانستان، هیئت حاکمه عراق و لیبی و امثالهم نخواهند داشت. رهایی توده های تحت ستم و استثمار افغانستان از جنگ و کشتار، آوارگی و سرکوب و فقر و ناداری تنها با مبارزه علیه قدرت های ارتجاعی فاسد نظیر جمهوری اسلامی، "امارات" طالبان و امثالهم و با سازماندهی مبارزه انقلابی برای سرنگونی طبقات ارتجاعی حاکم و مبارزه با دخالت قدرتهای امپریالیستی و استقرار جمهوری فدراتیو شورائی قابل حصول خواهد بود.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

26 مرداد ماه 1400

فدائیان کمونیست

در شبکه های اجتماعی :

<https://twitter.com/EfkFedayi>

<https://www.facebook.com/kare.comunist>

<https://www.facebook.com/sitefedayi>

https://www.instagram.com/fedayi_comunist